رابطهٔ سبکهای فرزندپروری و سرسختی روانشناختی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان

زهرا میرزامحمدی[۱]
دکتر فرشاد محسن زاده[۲]
دکتر مختارعارفی[۳]

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطهٔ سبکهای فرزندپروری(سلطه‌گری، وابستگی شدید و سهل انگاری) و سرسختی روانشناختی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان بوده است. روش تحقیق از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل همهٔ دانش آموزان هنرستانهای دخترانه شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ بوده که در زمان انجام تحقیق در حدود ۲۰۰۰ نفر بوده‌اند. برای انجام دادن این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده و حجم نمونه ۳۰۰ نفر بوده‌است. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه سبکهای فرزندپروری دروز و تی‌هن(۱۹۵۷) ترجمه شکرکن و نجاریان(۱۳۷۲)، سرسختی اهواز کیامرثی و همکاران (۱۳۷۷) و تاب‌آوری کانر و دیویدسون CD-RIS (۲۰۰۳) بوده‌است. نتایج حاصل نشان داده که از میان سه سبک فرزندپروری مورد بررسی تنها بین شیوه سهل انگاری تربیتی والدین و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و میان شیوه‌های فرزندپروری والدین مبتنی بر سلطه‌گری و وابستگی شدید با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین مشخص شد میان سرسختی روان شناختی دانش‌آموزان با تاب‌آوری آنها رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون نشان داد که دو متغیر پیش‌بین یعنی سرسختی روان شناختی دانش‌آموزان و سهل انگاری تربیتی والدین می‌توانند به شکلی مثبت و معنادار تاب‌آوری دانش‌آموز را پیش‌بینی کنند و توجه به آنها در تاب‌آوری افراد ضروری است.

کلید واژگان: تاب‌آوری، سبکهای فرزندپروری، سرسختی روان شناختی، دانش آموز

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۲

۱. گروه روان شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) zmmohammadi@chmail.ir
۲. گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران farshadm56@gmail.com
۳. گروه روان شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران Arefi.2020@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

مقدمه

بیش از دو دهه است که پژوهشگران، بر اثرات موقعیتهای نامطلوب و سخت و سایر عوامل تنش‌زای زندگی روی متغیرهای متعدد معطوف به شایستگی تمرکز کرده‌اند. در پژوهشی راتر[1] (۱۹۷۹؛ به نقل از حسین چاری و محمدی، ۱۳۹۰) کودکان دارای والدین مبتلا به بیماری روانی را مورد پژوهش قرار داده و دریافته است که این کودکان، بیماری روانی را تجربه نکرده اند و رفتار ناسازگارانه ای نشان نمی‌دهند. در پژوهشی دیگر سیچتی و گارمزی[2] (۱۹۹۳؛ به نقل از سوری، حجازی و سوری نژاد، ۱۳۹۳) در حدود دویست کودک و خانواده‌های آنها را بررسی کردند و دریافتند که بعضی از کودکان با وجود شرایط نامساعد، کارآمد هستند و هیچ مشکل رفتاری از خود نشان نمی‌دهند. این یافته‌ها به این پرسش انجامید که چگونه این کودکان با مشکلات مبارزه می‌کنند؟ پس از آن، ورنر[3] (۱۹۹۳؛ به نقل از حسین چاری و محمدی،۱۳۹۰) کودکان در معرض خطر را در دوره طولانی مدت مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که یک سوم از این کودکان، در بزرگسالی افرادی شایسته، مطمئن و مراقبت کننده شده اند. این افراد همچنین حمایت عاطفی را در خارج از خانواده جستجو می‌کردند. مشاهده کودکانی که در شرایط نامساعد رشد کرده و در بزرگسالی رفتار منحرف و بیمار را نشان نداده‌اند، همچنین مطرح شدن مدل تبادلی بوم‌شناسی تحول انسانی[4] بر مبنای درگیری فعال و تطابق انسان با محیط (برونفن برنر[5]، ۱۹۷۴؛ حسین چاری و محمدی، ۱۳۹۰)، موجب انجام پژوهش در زمینه بررسی ویژگیها، شرایط و موقعیتهایی شد که به نظر می‌رسد پیامدهای منفی را تغییر می‌دهند و افراد را قادر می‌سازند تا عوامل فشارزای زندگی را در کنترل داشته باشند (گارمزی[6]، ۱۹۹۱؛ به نقل از حسین چاری و محمدی، ۱۳۹۰) و این مورد همان فرآیندی است که از آن به تاب‌آوری[7] یاد شده‌است؛ بنابراین مفهوم تاب‌آوری از مشاهداتی به دست آمده‌است که در آن بسیاری از کودکان علی‌رغم تجارب ناگوار، توانایی دستیابی به یک پیامد تحولی مثبت را نشان داده‌اند(یتس و ماستن[8]، ۲۰۰۴؛ به نقل از سوری و همکاران، ۱۳۹۳).

1. Rutter
2. Cicchetti & Garmezy
3. Werner
4. Ecological Models of Human Development
5. Bronfenbrenner
6. Garmezy
7. Resilience
8. Yates & Masten

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی روانی، در شرایط ناگوار است(کانر و دیویدسون[1]، ۲۰۰۳؛ به نقل از بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰). تاب‌آوری خصیصه‌ای است که کاملاً طبیعی رخ می‌دهد(لمی و غزل[2]، ۲۰۰۱؛ به نقل از بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰) و اشاره به فرآیندی پویا دارد که انسانها در زمان مواجهه با شرایط ناگوار یا ضربه‌های روحی، به صورت رفتار انطباقی مثبت، از خود نشان می‌دهند(لوتر،[3] سیچتی و بکر[4]، ۲۰۰۰؛ به نقل از بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰). تاب‌آوری به قابلیت انطباق انسان در مواجهه با بلایا یا فشارهای جانکاه، غلبه یافتن بر آنها و حتی تقویت شدن به سبب کسب آن تجارب اطلاق می‌شود(دنیر، لوکاس، شیمک و هلیول[5]، ۲۰۰۹؛ به نقل از بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰). این خصیصه با توانایی درون‌شخصی و مهارتهای اجتماعی و تعامل با محیط تقویت می‌شود، توسعه می‌یابد و به منزلهٔ یک ویژگی مثبت متبلور می‌گردد (بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰). به اعتقاد زاترا، هال و مورای[6] (۲۰۱۰؛ به نقل از سوری و همکاران، ۱۳۹۳) بهترین تعریفی که برای تاب‌آوری وجود دارد این است که آن را به عنوان سازگاری موفق با شرایط ناگوار در نظربگیریم.

گرچه ممکن است تاب‌آوری تقریباً فراگیر باشد، ولی احتمال اینکه همه ما به یک اندازه تاب‌آور باشیم و نیز عوامل محیطی را که تاب‌آوری به هنگام استرس تقویت یا تضعیف می‌کنند، به طور مساوی در میان مردم تقسیم شده باشد، اندک است. انسانها از نظر توان درونی، انعطاف‌پذیری و تحمل در برابرمشکلات متفاوت اند(گالو، بوگارت، ورن سین و ماتیوز[7]، ۲۰۰۵؛ به نقل از حجازی و سلیمانی، ۱۳۸۹). به پژوهشهای متعددی می‌توان اشاره کرد که نشان می‌دهند همه افراد به یک میزان تاب‌آور نیستند (حجازی و سلیمانی، ۱۳۸۹) و گروههای خاصی، از میزان تاب‌آوری بالاتری نسبت به دیگر گروهها برخوردارند (جوکار، ۱۳۸۶؛ به نقل از حسین چاری و محمدی، ۱۳۹۰). همچنین این احتمال وجود دارد که در فرهنگها و محیطهای گوناگون تاب‌آوری به صورتهای مختلف نمایان شود(سوری و همکاران، ۱۳۹۳).

براساس یافته‌های پژوهشی جوانانی که خودتاب‌آوری بالاتری داشته اند، رفتارهای پرخطر کمتری را گزارش کرده‌اند (پرینس–امبری،[8] ۲۰۱۵). خودتاب‌آوری(و نه خودکنترلی) به مثابه یک

1. Conner & Davidson
2. Lamay & Ghazal
3. Luthar
4. Becker
5. Diener, Lucas, Schimmack & Helliwell
6. Zautra, Hall & Murray
7. Gallo, Bogart, Vrancean & Matthews
8. Prince-Embury

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

عامل پیش‌بینی کنندهٔ قوی برای عملکرد سازگارانه در ۱۹ و ۲۶ سالگی و همچنین مسائل درونی و بیرونی ۱۶، ۲۳، ۲۶ و ۳۲ سالگی شناخته شد. این یافته‌ها به منزلهٔ شواهدی تفسیر می‌شوند که انعطاف پذیری و انطباق پذیری را با خودتاب‌آوری می‌سنجند و می‌توانند خطر را کاهش دهند و سازگاری موفقیت آمیز را در محیطهای با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین ارتقا بخشند (کاسادیاس، سالواتوره، اسروفه [1]، ۲۰۱۲).

یافته‌های جوی رز و استین [2] (۲۰۱۴) بیانگر تأثیر مثبت مداخلات تاب‌آوری بر افزایش عملکرد شخصی، اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان مدارس متوسطه اند (رز و استین، ۲۰۱۴). نتایج نشان می‌دهد که طرد و تنبیه با تاب‌آوری رابطه منفی دارند. علاوه بر این، عدم تاب‌آوری با نشانه‌های اضطراب و افسردگی در ارتباط است. به هر حال، تاب‌آوری هم در زنان و هم در مردان با نشانه‌های اضطراب و افسردگی رابطه دارد و تأثیر آن در طول زمان تغییر نمی کند؛ هر چند چالشها ممکن است که در طول زندگی تغییر کنند (پتروسکی، براهلر و زنگر، [3] ۲۰۱۴).

در زمینه عوامل مؤثر بر تاب‌آوری، تحقیقات بسیار انجام شده‌است. از جمله حمایت اجتماعی [4] به منزلهٔ زمینه اجتماعی مؤثر بر تاب‌آوری مورد توجه و بحث متخصصان قرار گرفته است. حمایت اجتماعی شامل مساعدتهای عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی است که دیگران تأمین می‌کنند (جرارد، لندی- مایر و گوزل - رو [5]، ۲۰۰۶؛ به نقل از خباز، بهجتی و ناصری، ۱۳۹۰). مطالعه هس و گرایدون [6] (۲۰۰۹؛ به نقل از خباز و همکاران، ۱۳۹۰) نشان داده است که حمایت اجتماعی ازعوامل مؤثر بر تاب‌آوری افراد بزرگ شده در پرورشگاه (سرراهی) است. یافته‌های پژوهشها نشان می‌دهند که مذهب نیروی قدرتمندی برای تاب‌آوری افرادی است که در زندگی با تجارب آسیب زای بسیار روبه رو می‌شوند(پارگامنت و کامینگز [7]، ۲۰۱۰؛ به نقل از سوری و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین ناکاشیما و کاندا (۲۰۰۵؛ اسمیت و همکاران ،۲۰۰۹؛ و پن و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از کشاورزی و یوسفی،۱۳۹۱) داشتن معنا و هدف در زندگی را یکی از عوامل محافظتی شناخته شده در تاب‌آوری افراد عنوان نموده اند. براساس یافته‌های چانگ، اُلیورس و دی زوریلا [8] (۱۹۹۷)، کارور،

1. Causadias, Salvatore & Sroufe
2. Rose & Steen
3. Petrowski, Brähler & Zenger
4. Social support
5. Gerard, Landry-Meyer & Guzell-Roe
6. Hass & Graydon
7. Pargament & Cummings
8. Chang, Olivares & D'Zurilla

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

هالما و دیدوا[1] (۲۰۰۷) و شی‌یر و سیگراستروم[2] (۲۰۱۰) خوش‌بینی و تاب‌آوری سبب به وجود آمدن عواملی می‌شوند که افراد را هنگام تنش حمایت می‌کنند (به نقل از سوری و همکاران، ۱۳۹۳).

طباطبایی وکیلی و قره آقاجی (۱۳۸۶) در مطالعه خود به نقش دو عامل محافظت کننده درونی و بیرونی در تاب‌آوری افراد اشاره و عنوان می‌کنند که عوامل محافظت کننده درونی شامل الف) کاربرد مهارتهای زندگی به ویژه مهارتهای حل مسأله، تصمیم گیری، ابراز وجود و کنترل تکانه، و ب) اجتماعی بودن، توانایی دوست داشتن و دوست داشته شدن و ایجاد روابط مثبت است و عوامل محافظت کننده بیرونی شامل پیشگامی در ایجاد روابط و پیوندهای صمیمی و ارج نهادن به تحصیل، سبک تعامل پرحرارت و کم بهانه‌گیر، تقویت روابط حمایتگرانه و مهرورزی با دیگران است. اینها ویژگیهایی هستند که در خانواده، مدرسه، اجتماع و گروه همسالان وجود دارند و تاب‌آوری را تقویت می‌کند (به نقل از خباز و همکاران، ۱۳۹۰).

تاب‌آوری خانواده یک عامل کلیدی برای عملکرد سالم واحد خانواده به منظور تعدیل سختیها و کاهش اثرات منفی مرتبط با فشار اقتصادی است. پیامدهای عمل اجتماعی به منظور افزایش تاب‌آوری خانواده با بهره‌گیری از جامعه و حمایتهای شخصی مورد بحث قرار گرفته است(واندزبرگر و بیگرستاف،[3] ۲۰۰۴).

در مطالعه سیمسون[4] (۲۰۱۴) انتظارات والدین، نظم و انضباط و احساس استقلال به عنوان عوامل مهمی شناخته شدند که با انعطاف پذیری دانش آموزان ارتباطی معنادار داشتند.

از این گذشته، شیوه‌ها و سبکهای فرزندپروری عامل مهمی است که بررسی رابطه آن با تاب‌آوری فرزندان مورد توجه محققان قرار گرفته است. در سالهای اخیر پژوهشهایی که در زمینهٔ چگونگی برخورد والدین و روشهای تربیتی فرزندپروری انجام شده‌است، نشان می‌دهند که روشهای تربیت والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و شخصیت فرزندان در آینده می گذارد (رمضانی، ۱۳۸۸). با این حال، لازم است این موضوع در مورد تاب آوری دانش آموزان به صورت ویژه مورد بررسی قرار گیرد.

سبکهای فرزندپروری[5]: منظور از سبکهای فرزندپروری، روشهایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرشهایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و

1. Carver, Halama & Dedova
2. Scheier & Segerstrom
3. Vandsburger & Biggerstaff
4. Simpson
5. Parenting styles

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

همچنین معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. در عین حال، رفتارهای فرزندپروری با توجه به فرهنگ، نژاد و گروههای اقتصادی تغییر می‌کنند (برک، ۱۳۸۸). این روشها به طور کلی شامل سلطه‌گری[1]، وابستگی شدید[2] و سهل انگاری[3] هستند (کفایت، ۱۳۷۳؛ به نقل از رمضانی، ۱۳۸۸).

سلطه‌گری: این روش شامل ایجاد محدودیتهای بسیار در رفتار ، گفتار و کردار فرزند در زمینه رعایت نظافت، مراقبت از وسایل، سکوت، اطاعت، بروز احساسات و ... ازسوی والدین است. والدین سلطه‌گر ممکن است حتی با بی‌تفاوتی و آرامش، خواسته‌های خود را به فرزندان تحمیل نمایند یا روش هیجان آمیزی در پیش بگیرند.

وابستگی شدید: در این روش والدین خود را فدای فرزندان می‌کنند و در هرحال آنها را نیازمند خود بار می‌آورند. این گروه از والدین قطع رابطه عاطفی با فرزندان را به تاخیر می اندازد، مراقبت و نظارت کامل و مدام را ضروری می‌دانند. یعنی درهمه حال، حتی در بزرگسالی فرزندان را نیازمند حمایت، راهنمایی و کنترل می‌دانند. طبیعی است که این رفتارها مانع بروز خلاقیت می‌شوند. رو[4] (۱۹۵۳) در تحقیقی که درباره زندگی دانشمندان برجسته انجام داده است، نشان می‌دهد که احساس استقلال و بی‌شباهت بودن به دیگران در افراد خلاق که به صورت آشکار و زودرس بروز می‌کند مشخص کننده نیاز به خودپیروی[5] در آنهاست (میناکاری، ۱۳۶۸؛ به نقل از رمضانی، ۱۳۸۸). استقلال واقعی از والدین کار چندان آسانی نیست، زیرا اولاً انگیزه‌ها و مشوقهای آنها برای کودکان قوی هستند و ثانیاً تغییر شیوه‌ها و باورهای افراد بزرگسال (والدین) دشوار است. در هرحال به تناسب میزان وابستگی به والدین، استقلال و اتکاء به خود کودکان به تاخیر می افتد. بدیهی است این مسئله سبب به وجود آمدن مشکلاتی در زندگی اجتماعی، تحصیلی و... می‌گردد. عملکرد ضعیف آموزشی و خلاقیت و اعتماد به نفس پایین از تبعات طبیعی چنین شیوه تربیتی هستند.

سهل انگاری: والدین سهل انگار نه تنها کنترلی روی فرزندان خود ندارند، بلکه انتظار توقعی خاص هم از آنان ندارند. آنان در دادن پاداش و اعمال تنبیه چندان جدی نیستند. در انجام دادن امور شخصی، نظافت و تکالیف درسی فرزندان با مسامحه برخورد می‌کنند و معمولاً وقتی برای در

1. Dominant
2. Possessive
3. Ignoring
4. Rue
5. Autonomy

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

کنار فرزندان بودن اختصاص نمی‌دهند و انتظار دارند فرزندانشان دردسر و مشکلی برای آنان درست نکنند(کفایت، ۱۳۷۳؛ به نقل از رمضانی، ۱۳۸۸).

البته این سبکها خیلی انتزاعی تر از آن هستند که اجازه دهند تا ما همه ظرافتهای کنش متقابل والدین- فرزند را درک کنیم. مثلاً بر حسب بافت و موقعیت، والدین می‌توانند مهربان یا نامهربان، سخت‌گیر یا سهل‌گیر، منظم یا نامنظم باشند. واکنش کودک نیز رفتار والدین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ازاین گذشته کودکان یک خانواده، افرادی متفاوت اند و در مقابل سبک تربیتی معینی واکنش یکسان نشان نمی‌دهند. حتی اگر والدین روشهای تربیتی خود را به طور یکسان به کار بندند، کودکان همگام با بزرگ شدن، کاملاً متفاوت خواهند بود. در روابط والدین- فرزندان، چه در درون یک خانواده و چه در میان خانواده‌ها، تفاوتهای بسیار وجود دارد. بنابراین، در میان تعداد زیادی از روابط، هر رابطه والد- فرزندی منحصر به فرد است. به علاوه موقعیتها تغییر می‌کنند: آنچه در یک بافت مؤثر واقع می‌شود، ممکن است در بافت دیگری شکست بخورد. در واقع، به نظر می‌رسد که اساس، رابطه والدین- فرزند است. آنها در کنشهای متقابل خود، به سازشهایی می‌رسند که نیازها و خواستهای متقابل را منعکس می‌کنند (وندر زندن، ۱۳۸۳).

یافته‌ها نشان می‌دهند که فرزندپروری سخت‌گیرانه ممکن است به سبب تأثیری که بر توانایی فرزندان برای قاعده‌مند کردن توجه و رفتار آنها دارد، بر خود تاب‌آوری آنها تأثیر منفی بگذارد (تیلور[1] و همکاران، ۲۰۱۳). اگر والدین بسیار سخت‌گیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت فرزندان می‌شوند. والدینی که به فرزندانشان اجازه نمی‌دهند ابراز وجود یا اظهار نظر کنند، مانع بروز استعدادهای بالقوهٔ آنان می‌شوند و در نتیجه این کودکان در آینده افرادی روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد (کاگان و موس،[2] ۱۹۶۲). نتایج نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری پدر نقشی تعیین‌کننده در تبیین سلامت روانی و جسمی فرزندان دارد (بهرامی احسان و اسلمی، ۱۳۸۸). در یک بررسی، پارکر[3](۱۹۹۲؛ به نقل از بحرینی، ۱۳۷۹) نشان داد افرادی که نیازهای دورهٔ کودکی آنان به گونه‌ای مناسب ارضا نشده باشند، به هنگام وقوع فقدانها احتمال بیشتری وجود دارد که دچار افسردگی شوند و در این افراد، سبک والدین آنها به صورت یک شیوهٔ مهار فاقد احساس، یعنی ملغمه‌ای از کم‌توجهی و بیش‌حمایت‌گری بوده‌است. بر اساس بررسی پیترسن[4](۱۹۸۲؛ به نقل از بحرینی، ۱۳۷۹)، تداوم پرخاشگری در کودکان ناشی از تعامل آنان با والدینشان است. همچنین

1. Taylor
2. Kagan & Moss
3. Parker
4. Peterson

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

نتایج تحقیق دیگری نشان داد که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش، بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر است. افزون بر این، سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با تحصیلات پدر، رابطه مثبت و معنادار دارد. در تحلیل آن گفته شد که افزایش اطلاعات پدران سبب آگاهی آنها نسبت به سبک تربیت در مورد فرزندانشان می‌شود و این موضوع منجر به درپیش گرفتن سبک تربیتی بهتر در آنها می‌گردد (بهرامی احسان، باقرپور کماچالی، فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۸۷). تجزیه و تحلیلهای چان و کوو[1] (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که در بریتانیای معاصر شیوه‌های فرزند پروری در درجه اول بر ساختار خانواده و نه بر طبقه اجتماعی بنا نهاده شده‌است. ارتباطهای منسجم و قوی میان شیوه‌های فرزندپروری و طیفی گسترده از نتایج جوانی، از جمله سلامت ذهن و عزت نفس، رفتارهای سالم و مخاطره آمیز، و نام نویسی در مدرسه وجود دارد.

سرسختی[2]روانشناختی عامل دیگری است که می‌تواند بر تاب‌آوری اثرگذار باشد. برخی از پژوهشها میان تاب‌آوری و سرسختی با اضطراب و افسردگی رابطه منفی معنادار نشان داده‌اند و گویای آن هستند که افراد تاب‌آور، می‌توانند بر انواع اثرات ناگوار چیره شوند (اینزلیچ[3] و همکاران، ۲۰۰۶). سرسختی ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان است. سوزان آولت کوباسا[4] سرسختی را ویژگی شخصیتی پیچیده‌ای معرفی کرده که از سه مؤلفه چالش[5] ، کنترل[6] و تعهد[7] تشکیل شده‌است (کوباسا، ۱۹۸۸؛ به نقل از یزدانی، ۱۳۹۱).

سرسختی روانشناختی چیزی فراتر از جمع سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی است. انعطاف‌پذیری روانشناختی افراد سرسخت صرفاً از تاثیر انفرادی این سه مؤلفه سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه ناشی از شیوه مقابله خاصی است که با ترکیب پویای این مؤلفه همخوان است(پارکز و رندال[8]، ۱۹۸۸؛ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع سرسختی روانشناختی ساختار واحدی است که به یکپارچگی مؤلفه‌هایش می‌پردازد و در آنها یک همگونی ایجاد می‌کند (کوباسا و همکاران، ۱۹۸۸؛ به نقل از حمیلی،۱۳۸۶). سرسختی روانشناختی به مثابه یک ویژگی شخصیتی، نگرش درونی خاصی را به وجود می‌آورد که شیوه رویارویی افراد با مسائل مختلف زندگی را

1. Chan & Koo
2. Hardiness
3. Inzlicht
4. Suzanne C. Oullette Kobassa
5.Challenge
6. Control
7. Commitment
8. Parkes & Rendall

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

تحت تاثیر قرار می‌دهد. فرد سرسخت کسی است که از سه ویژگی عمومی‌برخوردار است: الف) اعتقاد وی به اینکه قادر به کنترل یا تأثیرگذاری بر حوادث است، ب) نسبت به فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، عمیقاً احساس درآمیختگی یا تعهد می‌کند و ج) تغییر توأم با مبارزهٔ هیجان‌انگیز را برای رشد انسان مؤثرتر و آن را جنبه‌ای عادی از زندگی تلقی می‌کند (کوباسا، ۱۹۸۸؛ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۱).

سرسختی روانشناختی زاییده دانشی است که بر مبنای آن، شخص برای پاسخگویی به استرس‌زاها به منابع بیشتری دست پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، یک احساس بنیادی از کنترل است که به فرد سرسخت امکان دستیابی به تعدادی از راهبردهای مفید و مؤثر را می‌دهد. همچنین، سرسختی روانشناختی سبب می‌شود که فرد استرسهای خود را به صورتی واقع‌بینانه و با بلند نظری مورد توجه قرار دهد. در نهایت سرسختی روانشناختی سبب تقویت و پرورش دیدی خوشبینانه نسبت به استرسهای روانی می‌شود. در واقع سرسختی روانشناختی سپری در برابر برانگیختگی شدید فیزیولوژیکی بر اثر حوادث استرس‌زاست. برخی از پژوهشگران معتقدند استرس عامل آسیب پذیری مهمی در برابر بیماریهاست (کوباسا،۱۹۸۸؛ به نقل از نریمانی و همکاران، ۱۳۹۱). سرسختی روانشناختی تاثیر منفی بر استرس و تاثیر مثبت بر رضایتمندی می‌گذارد. سرسختی ممکن است مانند یک نیروی مقابله مهم در برابر اثرات فشار برای تغییر عمل کند (راش، شول و بارنارد[1]،۱۹۹۵).

بررسیها نشان می‌دهند که سرسختی با سلامت بدنی و روانی رابطه مثبت دارد و به مثابه یک منبع مقاومت درونی، تأثیرات منفی استرس را کاهش می‌دهد و از بروز اختلالهای بدنی و روانی پیشگیری می‌کند (کوباسا، ۱۹۷۹؛ فلورین، میکولینسر و یابمن[2] ، ۲۰۰۳؛ به نقل از رحیمیان بوگر و اصغرنژاد فربد، ۱۳۸۷).

رحیمیان بوگر و اصغرنژاد در سال ۱۳۸۷ تحقیقی با عنوان «رابطه سرسختی روان شناختی و خودتاب‌آوری با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان بازماندهٔ زلزله شهرستان بم» انجام دادند که یافته‌های آن گویای اصالت و اهمیت سرسختی و تاب‌آوری در حفظ و ارتقای سلامت روان افراد زلزله زده بود. دو متغیر یاد شده، می‌توانند میزان بالایی از تغییرپذیری سلامت روان را در شرایط ناگوار تبیین نمایند و توجه به آنها در بهداشت روانی فاجعه ضروری است (رحیمیان بوگر و اصغرنژاد فربد، ۱۳۸۷).

1. Rush, Schoel & Barnard
2. Florian, Mikulincer &Yaubman

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

در مجموع برآیند مطالعه ادبیات پژوهشی مربوط به شیوه‌های فرزند پروری نشان می‌دهد که گرچه تحقیقات گوناگونی درباره شیوه‌های فرزندپروری و عوامل مرتبط با آن صورت گرفته اما مطالعات و پژوهشهای کافی در زمینه رابطه سبکهای فرزندپروری با تاب‌آوری انجام نشده‌است. بنابراین اهمیت و ضرورت انجام دادن پژوهشی در این مورد به ویژه در میان دانش آموزان احساس می‌شد. از طرفی هم بررسی ادبیات پژوهشی نشان داد که تاکنون در زمینه رابطه سرسختی روان‌شناختی و تاب‌آوری دانش آموزان در شهر کرمانشاه پژوهشی انجام نشده‌است. مسئلهٔ اساسی در پژوهش حاضر آن است که شیوه‌های متفاوت فرزندپروری والدین و نیز سرسختی روانشناختی خود فرد، چه رابطه‌ای با تاب‌آوری دارند.

هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطهٔ سبکهای فرزندپروری(سلطه‌گری، وابستگی شدید و سهل انگاری) و سرسختی روانشناختی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان هنرستانهای دخترانهٔ شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ است.

سؤالات پژوهش

۱. آیا بین میزان سلطه‌گری تربیتی والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

۲. آیا بین میزان وابستگی شدید به والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

۳. آیا بین میزان سهل‌گیری تربیتی والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

۴. آیا بین میزان سرسختی روان شناختی دانش‌آموزان با تاب‌آوری آنها رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع همبستگی بوده‌است. جامعه آماری این پژوهش شامل همهٔ دانش‌آموزان هنرستانهای دخترانه شهر کرمانشاه در سال ۹۴- ۱۳۹۳ بوده که شمار آنها در زمان انجام گرفتن تحقیق در حدود ۲۰۰۰ نفر بوده‌است. برای انجام دادن آن از روش نمونه‌گیری خوشه ای تصادفی استفاده شده‌است. با توجه به اینکه شهرستان کرمانشاه دارای ۳ منطقه آموزشی است، از هر منطقه دو مدرسه به تصادف و از هر مدرسه دو کلاس به روش تصادفی انتخاب شده اند. پرسشنامه‌ها در میان دانش‌آموزان این دو کلاس توزیع شده و از هر مدرسه ۵۰ پرسشنامه گردآوری شده است. به این ترتیب حجم نمونه ۳۰۰ نفر بود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

متغیرهای اصلی تحقیق با توجه به مفاهیم به کار گرفته شده با استفاده از سه پرسشنامه استاندارد شامل پرسشنامه سبکهای فرزندپروری دروز و تی‌هن[1] (ترجمه شکرکن و نجاریان، ۱۳۷۲)، سرسختی اهواز(کیامرثی و همکاران، ۱۳۷۷) و پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون[2] (۲۰۰۳) مورد سنجش قرار گرفته اند.

شیوهٔ اجرای پژوهش

به منظور اجرای تحقیق حاضر پس از دریافت مجوزهای لازم از دانشگاه، اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه و نواحی آموزش و پرورش شهر کرمانشاه، به مدارس موردنظر مراجعه شد و ضمن هماهنگی با مدیران این مدارس، پرسشنامه‌ها در میان دانش‌آموزان توزیع شد و توضیحاتی به آنان داده شد. سه پرسشنامه(متصل به هم) در اختیار هر دانش‌آموز قرار گرفت که یکی از آنها را باید پدر یا مادر دانش‌آموز و دو پرسشنامه دیگر را خود دانش‌آموز تکمیل می‌کرد. دانش‌آموزان پرسشنامه‌ها را با خود به خانه بردند و پس از تکمیل کردن آنها را به مدرسه برگرداندند. سپس پرسشنامه‌ها گردآوری شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها، اعتبار و روایی آنها

الف) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: این آزمون برگرفته از پرسشنامه ارزشیابی نگرش والدین[3] می‌باشد که توسط شوبن[4] (۱۹۴۹) ساخته شده‌است. فرم اولیه آن شامل ۸۵ سوال بوده که بعدها مورد تعدیل قرار گرفته است. فرم مورد استفاده ما را دروز و تی هن (۱۹۵۷) تنظیم کرده اند که ۳۰ سوال تک مفهومی پنج گزینه ای (از موافقت کامل تا مخالفت کامل) را شامل می‌شود و مواد آن به سه مقیاس فرعی مساوی تقسیم شده و به همت اساتید دانشگاه اهواز و زیر نظر شکرکن و نجاریان (۱۳۷۲؛ به نقل از کفایت، ۱۳۷۳) ترجمه و معرفی شده‌است. در فرم مورد استفاده هر ۱۰ سوال پرسشنامه، یک مقیاس فرعی یعنی سلطه گری، وابستگی شدید و سهل انگاری را می‌سنجند. شیوه نمره دهی این‌پرسشنامه به این صورت است که به گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم به ترتیب نمرات ۵، ۴ ، ۳، ۲ و ۱ اختصاص یافته است. جمع نمرات هر مقیاس فرعی به‌عنوان امتیاز پاسخگو در هر یک از شیوه های فرزندپروری مذکور در نظر گرفته شده است. این پرسشنامه به منظور سنجش نوع نگرش والدین (پدر و مادر) آنان ارائه و از آنان خواسته می‌شود که مراتب و درجه موافقت و مخالفت خود را با اصولی که مسائل تربیتی فرزندان

1. Drews & Teahan
2. Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)
3. Parental Attitude Survey (PAS)
4. Shoben

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

و رشد خلاقیت آنان را متاثر می‌سازد اعلام کنند. بدیهی است که مخالفت کامل مفهوم تسلط و محدودیت و موافقت کامل مسامحه و آزادی را مستفاد می‌کند و حالتهای بینابینی نیز مفاهیم نسبی از دو حالت مذکور را تائید می‌نمایند (کفایت، ۱۳۷۳). در مورد آزمون نگرشهای فرزند پروری والدین، اعتباریابی پرسشنامه را کفایت با استفاده‌از روش همزمان صورت داده است که در نتیجه برای مقیاس سلطه‌گری ضریب اعتبار ۳۵٪، مقیاس وابستگی شدید ۲۹٪ و برای مقیاس سهل انگاری ۴۶٪ به دست آمده که در سطح ۰۱٪ معنادار است. در مورد آزمون سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین، تحقیقات کفایت حاکی است که با استفاده‌از روشهای تصنیف و آلفای کرونباخ ضریب پایایی برای کل آزمون ومقیاسهای فرعی سلطه‌گری، وابستگی شدید و سهل انگاری با استفاده‌از فرمول اسپیرمن– براون، به ترتیب ۲۲٪ ، ۲۰٪ ، ۱۶٪ ، ۱۱٪ و ۱۱٪ بوده‌است که به جز مقیاسهای سلطه‌گری و سهل انگاری، در سطح ۵ ٪ معنادار است. در روش آلفای کرونباخ که بر اساس محاسبه واریانسها به دست می آید کل آزمون ۳۲٪، مقیاس سلطه‌گری ۲۶٪، مقیاس وابستگی شدید ۲۲٪ و مقیاس سهل انگاری ۱۹٪ است که بدیهی است ضرایب به دست آمده در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است (کفایت، ۱۳۷۳).

ب) پرسشنامهٔ سرسختی اهواز[1]: این پرسشنامه را کیامرثی، نجاریان و مهرابی زاده هنرمند(۱۳۷۷) ساخته اند. این پرسشنامه ۲۰ عبارت دارد و هدف آن ارزیابی میزان سرسختی و عوامل آن در افراد می‌باشد (کیامرثی و همکاران، ۱۳۷۷). شیوه نمره‌دهی این پرسشنامه بدین صورت است که گزینه‌های هرگز، به ندرت، گاهی اوقات و اغلب اوقات به ترتیب نمرات ۴، ۳، ۲ و ۱ کسب خواهند کرد. جمع کل نمرات این سوالات به عنوان امتیاز سرسختی آزمودنی در نظر گرفته می‌شود و هر چه این نمره بالاتر باشد، بیانگرسرسختی بالاتر پاسخ دهنده است و به عکس. در این پرسشنامه سؤالات ۱ تا ۹ مربوط به عامل تعهد، سؤالات ۱۰ تا ۱۶ مربوط به عامل کنترل و سؤالات ۱۷ تا ۲۰ مربوط به عامل مبارزه‌جویی هستند (زارع و امین پور، ۱۳۹۰). برای سنجش همسانی درونی «پرسشنامه سرسختی اهواز» ضریب آلفای کرونباخ به کار برده شد و بر پایه یافته‌های حاصل ضرایب آلفا برای کل نمونه، آزمودنیهای پسر و آزمودنیهای دختر به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۶ و ۰/۷۴ به دست آمد. برای سنجش پایایی «مقیاس سرسختی اهواز»، این آزمون دوباره پس از شش هفته به ۱۱۹ دانشجو (۵۳ پسر و ۶۶ دختر) ارائه شد. ضرایب همبستگی میان نمره‌های آزمودنیها در دو نوبت یعنی پیش‌آزمون و پس‌آزمون دوباره برای کل آزمودنیها r=۰/۸۴، آزمودنیهای

1. Ahvaz Hardiness Inventory (AHI)

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

پسر r=۰/۸۴ و آزمودنیهای دختر r=۰/۸۵ به‌دست آمد. برای بررسی روایی پرسشنامه سرسختی اهواز، این مقیاس به طور همزمان با چهار پرسشنامه ملاک مقیاس خودشکوفایی مزلو، مقیاس اعتبار سازه ای سرسختی، مقیاس افسردگی اهواز و پرسشنامه اضطراب به گروههایی از دانشجویان داده شد. ضرایب همبستگی میان نمره‌های کل آزمودنیها در مقیاس سرسختی و اضطراب برای کل نمونه، آزمودنیهای دختر و پسر به ترتیب ۰/۵۵-، ۰/۷۰- و ۰/۴۴- به دست آمد. این ضرایب بیانگر همبستگی منفی معنادار میان سرسختی و اضطراب اند. ضرایب همبستگی میان نمره‌های کل آزمودنیها در مقیاس سرسختی و افسردگی برای کل نمونه، آزمودنیهای دختر و پسر به ترتیب ۰/۶۲-، ۰/۷۱-، ۰/۵۷- بود. ضریبهای همبستگی میان نمره‌های کل آزمودنیها، آزمودنیهای دختر و پسر در مقیاس خودشکوفایی با مقیاس سرسختی اهواز به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۶۵ و ۰/۴۵ بود. نتایج آزمونهای همبستگی پیرسون میان نمره‌های آزمودنیها در مقیاس اعتبار سازه ای سرسختی و مقیاس سرسختی اهواز نشان داد که ضریبهای همبستگی از نظر آماری معنادارند و این ضریبها به ترتیب برای کل آزمودنیها، آزمودنیهای دختر و پسر ۰/۵۱، ۰/۶۱ و ۰/۴۶ بودند(رحیمیان بوگر و اصغرنژاد فربد، ۱۳۸۷).

ج) مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون: این مقیاس، ابزاری ۲۵ سؤالی است که سازه‌های تاب‌آوری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از صفر تا ۴ می‌سنجد. حداقل نمرهٔ تاب‌آوری آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمرهٔ آن صد است. نتایج مطالعهٔ مقدماتی مربوط به ویژگیهای روان‌سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تأیید کرده‌است(کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳؛ به نقل از بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰). همسانی درونی، پایایی بازآزمایی و روایی همگرا و واگرای مقیاس، کافی گزارش شده‌اند، گرچه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی وجود پنج عامل (شایستگی/استحکام شخصی، اعتماد به غرایز شخصی/تحمل عواطف منفی، پذیرش مثبت عواطف/روابط ایمن، مهار معنویت) را برای مقیاس تاب‌آوری تأیید کرده‌است، زیرا پایایی و روایی زیرمقیاسها هنوز به طور قطع تأیید نشده‌اند، در حال حاضر فقط نمرهٔ کلی تاب‌آوری برای هدفهای پژوهشی معتبر محسوب می‌شود (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). پایایی و روایی فرم فارسی مقیاس تاب‌آوری نیز در مطالعات مقدماتی نمونه‌های بهنجار و بیمار مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (بشارت، ۱۳۸۶). اعتبار این سازه را در ایران در سال ۱۳۸۶ بشارت تأیید کرده‌است. همچنین مشعل‌پور در سال ۱۳۸۹ از طریق همبسته نمودن آن با مقیاس سرسختی روان‌شناسی اهواز با

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

محاسبه ضریب همبستگی r =۰,۶۴ در سطح معناداری P<۰,۰۰۰۱ نشان داده که این سازه از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار است (بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰).

نتایج بررسی اعتبار پرسشنامه‌ها و شاخصهای آنها در این تحقیق نشان داد که ضرایب آلفای کرونباخ در مورد پرسشنامه تاب‌آوری ۰/۸۸، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری برای کل آزمون ۰/۷۷ و در مورد هر یک از مقیاسهای فرعی آن یعنی سلطه‌گری، وابستگی شدید و سهل انگاری به ترتیب ۰/۴۸، ۰/۵۶ و ۰,۶۳ است. ضریب آلفای کرنباخ برای کل پرسشنامه سرسختی ۰/۹۱ و در مورد هر یک از ابعاد آن یعنی تعهد، کنترل و مبارزه جویی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۳و ۰/۸۰ به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرها و شاخصهای آنها

		تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
تاب‌آوری(متغیر ملاک)		**۲۶۸**	**۱۰**	**۱۰۰**	**۶۱,۹۴**	**۱۵,۵۸**
شیوه‌های فرزندپروری	سلطه گری	۲۸۱	۱۷	۳۹	۲۶,۴۲	۴,۷۲
	وابستگی شدید	۲۷۰	۱۱	۳۸	۲۵,۵۶	۵,۱۵
	سهل انگاری	۲۷۹	۱۲	۳۹	۲۳,۴۴	۵,۳۳
سرسختی روان شناختی	تعهد	۲۹۰	۹	۳۵	۲۱,۰۳	۶,۱۵
	کنترل	۲۹۳	۷	۲۸	۱۶,۲۵	۴,۸۱
	مبارزه جویی	۲۹۹	۴	۱۶	۱۱,۱۹	۳,۴۷
	جمع سرسختی	**۲۸۴**	**۲۰**	**۷۹**	**۴۸,۶۴**	**۱۲,۶۲**

با توجه به جدول شماره ۱ کمترین و بیشترین نمرات تاب‌آوری دانش‌آموزان(متغیر ملاک) به ترتیب ۱۰ و ۱۰۰ بوده‌است. میانگین نمرات تاب‌آوری دانش‌آموزان مورد بررسی در حدود ۶۲ و انحراف استاندارد آن ۱۵,۵۸ بوده است. همچنین آماره‌های توصیفی متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزندپروری و سرسختی روان شناختی) در جدول شماره ۱ نشان داده شده‌است. در این تحقیق سه نوع شیوه فرزندپروری مورد بررسی قرار گرفته که آماره‌های هر یک به تفکیک ذکر شده‌است. براین اساس کمترین و بیشترین نمرات هر یک از شیوه‌های سلطه گری، وابستگی شدید و سهل‌انگاری والدین به ترتیب ۱۷ و ۳۹، ۱۱و ۳۸، ۱۲ و ۳۹ است. میانگین نمرات سلطه‌گری والدین۲۶,۴۲، وابستگی شدید ۳۸ و سهل انگاری ۳۹ است. با توجه به اینکه تعداد سؤالات و امتیازات هر یک از شیوه‌های فوق یکسان بوده‌است، می‌توان میانگینها را با یکدیگر مقایسه نمود.

در مورد سرسختی روان شناختی و ابعاد آن، میانگین نمرات تعهد ۲۱,۰۳، کنترل ۱۶,۲۵ و مبارزه جویی۱۱,۱۹ است. با توجه به اینکه تعداد سؤالات و امتیازات هر یک از ابعاد فوق برابر

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

نبوده‌است، نمی‌توان میانگین آنها را با یکدیگر مقایسه نمود. در مجموع، میانگین نمرات ۲۸۴ نفری که به همهٔ سؤالات پرسشنامه سرسختی پاسخ داده‌اند، ۴۸,۶۴ و کمترین و بیشترین آن ۲۰ و ۷۹ است. انحراف استاندارد این نمرات نیز ۱۲,۶۲ است.

در طبقه‌بندی نمرات تاب‌آوری دانش آموزان، تاب‌آوری ۲۰,۵ درصد از پاسخگویان در حد خیلی زیاد، ۵۵,۶ درصد در حد زیاد، ۲۱,۳ درصد در حد کم و ۲,۶ درصد در حد خیلی کم بوده‌است.

روابط همبستگی بین متغیرهای اصلی تحقیق

جدول ۲. ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

		تاب‌آوری	سبکهای فرزندپروری			سرسختی
			سلطه گری	وابستگی شدید	سهل انگاری	
تاب‌آوری		-				
سبکهای فرزندپروری	سلطه گری	-۰,۰۷	-			
	وابستگی شدید	۰,۰۸	.۴۸۵**	-		
	سهل انگاری	.۲۱۸**	.۲۴۲**	.۵۲۶**	-	
سرسختی		.۳۳۶**	-.۲۱۴**	-.۱۴۳*	-۰,۰۷	-

*:p<0/05 ** :p<0/01

جدول شماره ۲ همبستگی میان متغیرهای اصلی تحقیق(تاب‌آوری، سبکهای فرزندپروری و سرسختی روان شناختی) را با یکدیگر نشان می‌دهد. همبستگی میان تاب‌آوری دانش‌آموزان و میزان سهل انگاری تربیتی والدین با اطمینان ۹۹ درصد مستقیم و معنادار است. همچنین رابطه میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان با میزان سرسختی روان شناختی آنها مستقیم و معنادار است. افزون بر این دو تا از سبکهای فرزندپروری نیز با سرسختی روان شناختی یعنی میزان سلطه‌گری تربیتی و وابستگی شدید تربیتی والدین رابطه معکوس و معنادار داشته اند، اما در مورد میزان سهل انگاری والدین و سرسختی روان شناختی دانش‌آموزان رابطهٔ معنادار مشاهده نشده‌است.

نتایج بررسی سؤالات پژوهش

الف) سؤال اول پژوهش: آیا بین میزان سلطه‌گری تربیتی والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول شماره ۲)، مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر میزان سلطه گری والدین و تاب‌آوری دانش‌آموزان مورد بررسی ۰,۰۷- و سطح معناداری آن ۰,۲۵ است. بنابراین گرچه ضریب فوق رابطه معکوسی میان این دو متغیر نشان می‌دهد، اما از آنجایی که

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

سطح معناداری آن کمتر از ۰٫۰۵ نیست، این رابطه هم معنادار نیست. لذا فرض صفر پذیرفته و فرض پژوهش رد می‌شود؛ یعنی با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت میان میزان سلطه‌گری والدین و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطهٔ معنادار وجود ندارد.

ب) سؤال دوم پژوهش: آیا بین میزان وابستگی شدید به والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول شماره ۲) مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان این دو متغیر ۰٫۰۸ و سطح معناداری آن ۰٫۱۷ است. بنابراین چون سطح معناداری آن کمتر از ۰٫۰۵ نیست، این رابطه هم معنادار نیست. لذا فرض صفر پذیرفته و فرض پژوهش رد می‌شود؛ یعنی با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت میان شیوه مبتنی بر وابستگی شدید در فرزند پروری والدین و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود ندارد.

ج) سؤال سوم پژوهش: آیا بین میزان سهل‌گیری تربیتی والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول شماره ۲) مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان این دو متغیر ۰٫۲۱۸ و سطح معناداری آن ۰٫۰۱ است که کمتر از ۰٫۰۵ می‌باشد. بنابر این فرض صفر رد و فرض پژوهش پذیرفته می‌شود. یعنی با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت میان شیوه سهل انگاری تربیتی والدین و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد؛ یعنی هرچه والدین سهل‌گیرتر باشند، تاب‌آوری دانش‌آموزان بیشتر است.

د) سؤال چهارم پژوهش: آیا بین میزان سرسختی روان شناختی دانش‌آموزان با تاب‌آوری آنها رابطه وجود دارد؟

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول شماره ۲) مقدار ضریب همبستگی پیرسون در این خصوص ۰٫۳۳۶ و سطح معناداری آن ۰٫۰۱ است. با توجه به اینکه سطح معناداری آن کمتر از ۰٫۰۵ بوده‌است، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد فرض صفر را رد نمود و فرض پژوهش را پذیرفت. یعنی میان سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان با تاب‌آوری آنها رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه سرسختی روان شناختی دانش‌آموزان بیشتر باشد، تاب‌آوری آنها نیز بیشتر می‌شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

برای بررسی سطح معناداری ضرایب همبستگی، از تحلیل واریانس و مدل رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی استفاده شده است. بر این اساس نتایج به دست آمده، همبستگی میان متغیرهای پیش‌بین و ملاک در حدود ۰,۴۱ است. این جدول ضریب تعیین را ۰,۱۷ و ضریب تعیین تعدیل شده را ۰,۱۶۶ نشان می‌دهد. معنا و مفهوم آن این است که ۱۷ درصد از تغییرات متغیر ملاک مربوط به متغیرهای پیش‌بینی است که در نظر گرفته شده‌اند و بقیه تغییرات مربوط به متغیرهایی است که در نظر گرفته نشده‌اند(ضریب عدم تعیین).

جدول ۳. معنادار بودن رگرسیون بوسیله آزمون F (ANOVA)

مدل		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنا داری
۱	رگرسیون	۱۱,۷۱۰	۱	۱۱,۷۱۰	۳۷,۹۱۰	۰,۰۰۱
	باقیمانده‌ها	۹۲,۰۵۰	۲۹۸	۳۰۹.		
	کل	۱۰۳,۷۶۰	۲۹۹			
۲	رگرسیون	۱۷,۷۷۴	۲	۸,۸۸۷	۳۰,۶۹۶	۰,۰۰۱
	باقیمانده‌ها	۸۵,۹۸۶	۲۹۷	۲۹۰.		
	کل	۱۰۳,۷۶۰	۲۹۹			

با توجه به جدول شماره ۳ (ANOVA) که سطح معناداری ۰,۰۰۱ را نشان می‌دهد، F به دست آمده تا هزارم معنادار است. یعنی با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که حداقل یکی از متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی متغیر ملاک مؤثر بوده‌است.

جدول ۴. ضرایب

مدل		ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری
		B	خطای معیار	Beta		
۱	مقدار ثابت	۱,۶۹۴	۱۳۱.		۱۲,۹۰۱	۰,۰۰۱
	سرسختی	۳۲۲.	۰۵۲.	۳۳۶.	۶,۱۵۷	۰,۰۰۱
۲	مقدار ثابت	۱,۰۰۴	۱۹۷.		۵,۰۹۵	۰,۰۰۱
	سرسختی(x_1)	۳۳۸.	۰۵۱.	۳۵۳.	۶,۶۶۰	۰,۰۰۱
	سهل انگاری(x_2)	۲۷۸.	۰۶۱.	۲۴۲.	۴,۵۷۷	۰,۰۰۱

جدول شماره ۴ ضرایب متغیرهای پیش‌بین را برای xهای استاندارد شده و استاندارد نشده نشان می‌دهد. همچنین در اینجا مقدار Bها و βها که در نوشتن معادله رگرسیون مورد استفاده قرار می‌گیرند، آمده‌است. مقدار t و سطح معناداری آن نیز ذکر شده‌است. همچنانکه ملاحظه می شود، سطح معناداری ۲ تا از متغیرها کمتر از ۰,۰۵ و معنادار شده‌است. این متغیرها عبارت اند از: سرسختی(x_1) و سهل انگاری(x_2). بنابراین با استفاده‌از این جدول دو معادله می‌توان نوشت:

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

۱) $y = 1.004 + 0.338x_1 + 0.278x_2$

۲) $y = 0.353x_1 + 0.242x_2$

با استفاده‌از فرمول اول می‌توان تاب‌آوری را پیش‌بینی نمود و بر اساس فرمول دوم می‌توان ضمن تعیین میزان تاثیر هریک از متغیرهای مذکور در تعیین تاب‌آوری دانش‌آموزان، آنها را با یکدیگر مقایسه نمود و دریافت که میزان اثر متغیر سرسختی از سهل انگاری تربیتی والدین بیشتر است.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای دیگر یعنی سلطه گری تربیتی والدین و وابستگی شدید تربیتی در پیش‌بینی تاب‌آوری دانش‌آموز معنادار نبوده و از معادله خارج شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از فرضیات این تحقیق بررسی وجود ارتباط میان میزان سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان با تاب‌آوری آنها بوده‌است که نتایج حاصل، وجود ارتباط معنادار میان این دو متغیر را تأیید کرده است. همچنین نشان داده که از میان متغیرهای پیش‌بین، متغیر سرسختی روانشناختی بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی تاب‌آوری دانش آموزان داشته است. این نتیجه، نظریه کوباسا(۱۹۷۹؛ به نقل از رحیمیان بوگر و اصغرنژاد فربد، ۱۳۸۷) را تأیید کرده است و با اغلب پژوهشها و مطالعات پیشین نیز همخوانی دارد و در تبیین آن می‌توان گفت سرسختی به مثابه یک منبع مقاومت درونی، فرد را برای مواجهه با بحرانها و موقعیتهای ناگوار، آماده می‌کند و موجبات تاب‌آوری بیشتری را فراهم می آورد. طبق نظر کوباسا(۱۹۷۹؛ به نقل از رحیمیان بوگر و اصغرنژاد فربد، ۱۳۸۷) سرسختی، توانایی افراد را به کنترل موقعیت، تعهد به وظایف و رویارویی با پیشامدها بیشتر می‌کند. شاید بتوان گفت که افراد سرسخت، برای برخورد با مشکلات، آمادگی دارند و می‌توانند موقعیت را کنترل کنند و با استفاده‌از شیوه فعال حل مسأله، فشار روانی و احساس خطر کمتری را در پیشامدهای ناگوار تجربه کنند و تاب‌آوری بیشتری از خود نشان دهند. افراد سرسخت خوش‌بین هستند و به رویارویی موفق در پیشامدهای ناگوار امیدوارند. اعتماد به نفس دارند، به تواناییهای خود واقف اند و خود را به عنوان فردی مؤثر و با اهمیت باور دارند. این افراد بهتر می‌توانند با موقعیتهای ناگوار روبه رو شوند و آنها را کنترل کنند و حس بیشتری از کنترل را در زندگی‌شان تجربه کنند و در شرایط سخت تاب‌آوری بیشتری از خود نشان دهند. بنابراین با توجه به مؤلفه‌های سرسختی یعنی تعهد، کنترل و مبارزه جویی می‌توان گفت که افراد سرسخت به دلیل خوشبینی، احساس توانمندی در کنترل و رویارویی با مشکلات و تجربیات مثبت آن و تعهد

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

به وظایف، تحمل بیشتری دارند و بهتر می‌توانند در شرایط سخت و پیش‌بینی نشده، تاب بیاورند. سؤال دیگر این تحقیق بررسی رابطه میان سبکهای فرزندپروری و تاب‌آوری دانش آموزان بوده‌است. بر اساس نتایج این تحقیق در میان سبکهای تربیتی والدین، سبک سلطه گری تربیتی و سبک تربیتی مبتنی بر وابستگی شدید با تاب‌آوری دانش آموز ارتباط معناداری ندارد و تنها سبک تربیتی مبتنی بر سهل انگاری رابطه مستقیم و معناداری با تاب‌آوری دانش آموز دارد و می‌تواند نقشی مؤثر در پیش‌بینی تاب‌آوری دانش آموز داشته باشد. در تحلیل این یافته‌ها می‌توان گفت در سبک تربیتی مبتنی بر سهل‌انگاری که والدین نسبت به تربیت فرزندان خود بی‌تفاوت و سهل‌انگارند؛ فرزندان حق انتخاب، آزادی عمل و امکان آزمون و خطای بیشتری دارند و مهارتهای حل مسأله و تصمیم گیری را بهتر می آموزند، بیشتر با نتیجه تصمیمات خود روبه‌رو می‌شوند و متکی به خود بار می‌آیند. در این سبک تربیتی فرزندان نقشی فعال در رویارویی با مشکلات دارند؛ چرا که بیشتر به دلخواه خود عمل می‌کنند و مدیریت امور و تصمیم گیری به عهده خود آنهاست. در نتیجه تجربیات بیشتری در این زمینه پیدا می‌کنند و در رویارویی با مشکلات تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند. در مقابل، در سبکهای سلطه‌گری و وابستگی شدید، مدیریت امور و تصمیم‌گیری به عهده والدین است و فرزند در این زمینه منفعل بار می‌آید و صرفاً مجری دستورات است. بنابراین فرصت کافی برای تجربه، درک مشکلات و نحوه رویارویی با آنها را ندارد. در نتیجه توانایی مبارزه و تاب‌آوری در برابر مشکلات در او به خوبی پرورش نمی‌یابد و فرآیند تاب‌آوری را نیز به درستی یاد نمی‌گیرد. از طرفی امر و نهی شدید و تنبیهات والدین سخت‌گیر می‌تواند ارتباطات عاطفی آنها را با فرزندان خدشه‌دار کند و تاب‌آوری آنها را کاهش دهد. در مقابل، والدین سهل‌گیر، بهتر می‌توانند ارتباطات عاطفی خود را با فرزندان حفظ کنند و تاب‌آوری بیشتری را به فرزندان خود بدهند. ضمناً در تحلیل نتایج این تحقیق بهتر است به فرهنگ محلی مردم و خانواده‌ها در رابطه با نگرشهای مربوط به فرزندپروری نیز توجه شود.

نتایج و یافته‌های این تحقیق، با نتایج اغلب پژوهشهای قبلی از جمله با یافته‌های وستمن[1] (۱۹۹۰؛ به نقل از بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۹۰)، رحیمیان بوگر و اصغرنژاد(۱۳۸۷) و بشارت و عباسپور دوپلانی(۱۳۹۰) در زمینهٔ ارتباط مستقیم و معنادار سرسختی روان شناختی با تاب‌آوری مطابقت دارد.

1. Westman

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

همچنین در مورد ارتباط سبکهای فرزندپروری با تاب‌آوری، نتایج این تحقیق با نتایج پتروسکی و همکاران (۲۰۱۴) که نشان دادند طرد و تنبیه با تاب‌آوری رابطه منفی دارند، همخوانی دارد. همچنین با یافته‌های چان و کوو(۲۰۱۰) از آن جهت مطابقت دارند که آنها نشان دادند که ارتباطهای مستمر و قوی میان شیوه‌های فرزند پروری و طیف گسترده‌ای از عواقب آن در جوانان، از جمله رفاه و عزت نفس، رفتارهای سالم و مخاطره آمیز و نام نویسی در مدرسه وجود دارد.

نتایج این تحقیق با نتایج تیلور و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد؛ چون آنها نشان دادند فرزندپروری سخت‌گیرانه ممکن است به سبب تأثیری که روی توانایی فرزندان برای قاعده‌مند کردن توجه و رفتار می‌گذارد، بر خود تاب‌آوری آنها تأثیر منفی داشته باشد. همچنین با نتایج کاگن و موس (۱۹۶۲) که نشان دادند اگر والدین بسیار سخت‌گیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت فرزندان می‌شوند و این کودکان در آینده افرادی روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد، همخوانی دارد. به علاوه با مطالعه سیمسون(۲۰۱۴) که در آن انتظارات والدین، نظم و انضباط و احساس استقلال به عنوان عواملی مهم که با انعطاف‌پذیری دانش آموزان ارتباط معناداری داشتند، نیز همخوانی دارد.

مقایسه نتایج و یافته‌های این تحقیق، با نتایج برخی یافته‌های دیگر مانند پژوهش بهرامی احسان و اسلمی(۱۳۸۸) که نشان دادند سبک فرزندپروری پدر نقشی تعیین کننده در تبیین سلامت روانی و جسمی فرزندان به عهده دارند، همخوانی دارد (بهرامی احسان و اسلمی ۱۳۸۸). همچنین با توجه به نتیجه دیگر تحقیق آنها که نشان دادند سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش، بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوهای فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر است، از آن جهت با نتایج این تحقیق مطابقت نمی‌کند که سبکهای فرزندپروری مورد بررسی آنها با سبکهای مورد بررسی این تحقیق متفاوت بوده‌است.

نتایج این پژوهش که نشان داد سرسختی روان‌شناختی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه می‌تواند موجبات افزایش تاب‌آوری فرزندان را فراهم نماید و به همهٔ اشخاص، خانواده‌ها، سازمانها، نهادهای تربیتی و به ویژه آموزش و پرورش کمک خواهد کرد تا با آموزش مهارتهای فرزندپروری مناسب، زمینه ایجاد روابط مثبت، صمیمی، عاطفی و حمایتی را در کودکان فراهم کنند و با پرهیز از سخت‌گیریهای بی مورد و ایجاد فرصتهای آزمایش و خطا موجبات رشد تاب‌آوری، حل مسأله و تصمیم گیری را در کودکان افزایش دهند. برای تعمیم بهتر نتایج این تحقیق، انجام آن در جوامع دیگر با ویژگیهای متفاوت جمعیت شناختی، قومی، فرهنگی و اقتصادی پیشنهاد می‌شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

بررسیهای همه جانبه و جامع‌تر تاب‌آوری و طراحی مدلهایی با متغیرهای پیش‌بین و واسطه‌ای مشابه این تحقیق به عمل آید. یکی از محدودیتهای پژوهش حاضر دریافت نظرات یکی از والدین در زمینهٔ پرسشنامه فرزندپروری بود که اکثراً مادران پاسخ داده بودند، در حالی که پاسخگویی هر دو والد می‌تواند نتایج دقیق‌تر را در پی داشته باشد. محدودیت دیگر، ویژگیهای قومی و محلی جامعه این تحقیق بود که ممکن است تعمیم نتایج به دیگر جوامع را محدود کند و در این مورد باید با احتیاط عمل کرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

منابع

بحرینی، شهناز. (۱۳۷۹). *رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری با سلامت روانی و هماهنگی مؤلفه های خودپنداشت*. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاداسلامی، واحد شیراز.

برک، لورا. (۱۳۸۸). *روان شناسی رشد*، (ترجمه سیدمهدی یحیی). تهران: نشر ارسباران.

بشارت، محمدعلی و عباسپور دوپلانی، طاهره. (۱۳۹۰). رابطه راهبردهای فراشناختی و خلاقیت با تاب‌آوری در دانشجویان. *یافته‌های نو در روان شناسی* (روان شناسی اجتماعی)، ۵ (۱۴)، ۱۰۹-۱۲۲.

بهرامی احسان، هادی و اسلمی، الهه. (۱۳۸۸). رابطه سازگاری زناشویی و سبکهای فرزند پروری والدین با سلامت جسمی و روانی فرزندان. *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۹ (۱)، ۶۳-۸۲.

بهرامی احسان، هادی؛ باقرپور کماچالی، صغری؛ فتحی آشتیانی، علی و احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۷). بررسی رابطه الگوهای فرزند پروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان. *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۸ (۴)، ۸۷-۱۰۰.

حجازی، الهه و سلیمانی، حمیده. (۱۳۸۹). کیفیت دوستی، تقابل دوستی و تاب‌آوری. *علوم رفتاری*، ۴ (۴)، ۳۱۹-۳۲۶.

حسین چاری، مسعود و محمدی، مژگان. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تاب‌آوری روان شناختی بر اساس اعتقادات مذهبی در دانشجویان شهری و روستایی. *روانشناسی معاصر*، ۶ (۲)، ۴۵-۵۶.

حمیلی، نسرین. (۱۳۸۶). *مقایسهٔ سبکهای دلبستگی، نگرشهای مختل و عدم تحمل بلاتکلیفی در اختلالهای وسواس، اضطراب و افسردگی*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

خباز، محمود؛ بهجتی، زهرا و ناصری، محمد. (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی و سبکهای مقابله با تاب‌آوری در پسران نوجوان. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۵ (۴)، ۱۰۸-۱۲۳.

رحیمیان بوگر، اسحاق و اصغرنژاد فرید، علی اصغر. (۱۳۸۷). رابطه سرسختی روانشناختی و خودتاب‌آوری با سلامت روان در جوانان و بزرگسالان بازمانده زلزله شهرستان بم. *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۱)، ۶۲-۷۰.

رمضانی، عباس. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه خلاقیت دانش آموزان با نگرشهای فرزندپروری والدین در مدارس مقطع راهنمائی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان شهر ارومیه*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه محقق اردبیلی.

زارع، حسین و امین پور، حسن. (۱۳۹۰). *آزمون های روان شناختی*. تهران: انتشارات آییژ.

سوری، حسین؛ حجازی، الهه و سوری نژاد، محسن. (۱۳۹۳). رابطه تاب‌آوری و بهزیستی روانشناختی: نقش واسطه ای خوش‌بینی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۵ (۱)، ۵-۱۵.

کشاورزی، سمیه و یوسفی، فریده. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری. *مجله روانشناسی*، ۱۶(۳)، ۲۹۹-۳۱۸.

کفایت، محمد. (۱۳۷۳). *بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرشهای فرزندپروری، خلاقیت و رابطه متغیر اخیر با هوش، پیشرفت تحصیلی و رفتارهای پیشرفت گرای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های اهواز*. گزارش طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان فارس.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

کیامرثی، آذر؛ نجاریان، بهمن و مهرابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۷۷). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش سرسختی روانشناختی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی شهید چمران اهواز*، ۳ (۷)، ۲۷۱-۲۸۵.

نریمانی، محمد؛ زاهد، عادل؛ ابوالقاسمی، عباس و محمودی، حدیثه. (۱۳۹۱). سرسختی در نوجوانان فاقد و واجد والدین. *فصلنامهٔ علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۴)، ۷-۲۲.

وندر زندن، جیمز دبلیو. (۱۳۸۳). *روان شناسی رشد*، (ترجمه حمزه گنجی) جلد ششم. تهران: انتشارات بعثت.

یزدانی، امین. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی سرسختی و تاب‌آوری با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.

Causadias, J. M., Salvatore, J. E., & Sroufe, L. A. (2012). Early patterns of self-regulation as risk and promotive factors in development: A longitudinal study from childhood to adulthood in a high-risk sample. *International Journal of Behavioral Development*, *36*(4), 293-302.

Chan, T. W., & Koo, A. (2010). Parenting style and youth outcomes in the UK. *European Sociological Review*, *27*(3), 358-399.

Inzlicht, M., Aronson, J., Good, C., & McKay, L. (2006). A particular resiliency to threatening environments. *Journal of Experimental Social Psychology*, *42*(3), 323-336.

Kagan, J., & Moss, H.A. (1962). *Birth to maturity: A study of psychological development.* New York: John Wiley and Sons.

Petrowski, K., Brähler, E., & Zenger, M. (2014). The relationship of parental rearing behavior and resilience as well as psychological symptoms in a representative sample. *Health and Quality Life Outcomes*, 12.

Prince-Embury, S. (2015). Risk behavior and personal resiliency in adolescents. *Canadian Journal of School Psychology*, *30*(3), 209-217.

Rose, J., & Steen, S. (2014). The achieving success everyday group counseling model: Fostering resiliency in middle school students. *Professional School Counseling, 2014-2015*, *18*(1), 28-37.

Rush, M. C., Schoel, W.A., & Barnard, S.M. (1995). Psychological resiliency in the public sector: "Hardiness" and pressure for change. *Journal of Vocational Behavior*, *46*(1), 17-39.

Simpson, N. L. (2014). *Against all odds: Resiliency found in African American students at-risk who are succeeding in literacy*. ProQuest LLC, Ed.D. Dissertation, Sam Houston State University.

Taylor, Z. E., Eisenberg, N., Spinrad, T. L., & Widaman, K. F. (2013). Longitudinal relations of intrusive parenting and effortful control to ego-resiliency during early childhood. *Child Development*, *84*(4), 1145-1151.

Vandsburger, E., & Biggerstaff, M. A. (2004). Evaluation of the stress adjustment and adaptation model among families reporting economic pressure. *Journal of Family Social Work*, *8*(2), 65-84.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-12-08]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.4.6.6]